

تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری مورد مطالعه: شهر اسفراین

حسین حاتمی نژاد^{*} - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

رحمت‌الله فرهودی - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

مرتضی محمدپور جابری - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

پذیرش مقاله: ۱۳۸۵/۱۱/۱۶ تایید نهایی: ۱۳۸۶/۸/۳۰

چکیده

یکی از مهمترین پیامدهای رشد شبتابان شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهرهای کشور در دهه‌های اخیر از هم پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهری بوده که زمینه ساز نابرابری اجتماعی شهروندان در برخورداری از این خدمات شده است. در این پژوهش رابطه بین سطح اقتصادی-اجتماعی شهروندان و میزان برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری در شهر اسفراین مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه و طرح تفصیلی بدست آمده است. با استفاده از «شاخص ناموزون موریس»، محلات از نظر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی ساکنین آن و همچنین سطح برخورداری از کاربری‌های خدماتی سطح بندی و مقایسه شده‌اند. نتایج حاصله نشان می‌دهد طبقات اقتصادی-اجتماعی برتر از کاربری‌های خدماتی مطلوب‌تری برخوردارند و الگوی توزیع کاربری‌های خدماتی به نفع گروه‌های مرتفع‌تر عمل کرده است.

واژه‌های کلیدی: کاربری‌های خدمات شهری، نابرابری اجتماعی، عدالت اجتماعی، محله، اسفراین

مقدمه

به رغم این که وجود نابرابری در استاندارد زیست در بین ساکنین یک شهر پدیده جدیدی در هیچ یک از شهرهای جهان نیست اما در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل فاحش تر بودن تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی و پیدایش سکونتگاه‌های زیر استاندارد و گسترش خوش نشینی، تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است (عبدی دانشپور، ۱۳۷۸، ۳۷). سکونت اشار کم درآمد در مکان‌هایی که جاذب سایر گروه‌های اجتماعی نیست، به تمرکز فقر می‌انجامد و این فرآیند به جدایی گزینی طبقه کم درآمد از سایر گروه‌های اجتماعی منجر می‌شود (شاه‌حسینی، ۱۳۸۴، ۱۵۸). الگوی توزیع مراکز خدمات شهری از جمله عواملی است که باعث ارزش متفاوت زمین شهری شده و به جدایی گزینی‌های گروه‌های انسانی دامن می‌زنند. بنابراین نقش برنامه‌ریزان شهری در ایجاد و تقویت جدایی گزینی‌های اجتماعی و تفاوت در سطح زندگی شهروندان امری بدینهی و غیر قابل انکار است.

در بررسی مسائل شهری در قالب توسعه پایدار فرض بر این است که چنانچه هزینه‌ای بدون در نظر گرفتن مکانیزم‌های برابری، صرف توسعه زیرساخت‌ها، تجهیزات و خدمات شهری شود، خود باعث تشید نابرابری بین اقشار مختلف جمعیت شهری می‌گردد (Bolany et al, 2005, 629). در کشورهای صنعتی تمام تسهیلات رفاهی اساسی با هزینه‌ای مناسب در دسترس ساکنین شهری است. اما در مقابل اکثریت شهروندان در کشورهای در حال توسعه دسترسی مناسبی به خدمات اساسی ندارند. در بسیاری از نواحی دارای رشد شهرنشینی شتابان در کشورهای جهان سوم، تقاضا برای خدمات عمومی خیلی بیشتر از ظرفیت عمومی و امکانات خصوصی موجود است. بر این اساس می‌توان استدلال کرد که در بعضی از شهرها وضعیت بحرانی به سرعت در حال وقوع است که این امر علاوه بر کمبود منابع، نتیجه رشد برنامه ریزی نشده و الگوی نامناسب توزیع خدمات است (Daniere& takahashi, 1999, 272).

امروزه بحث از عدالت اجتماعی در کانون مطالعات شهری در تمامی رشته‌های مرتبط قرار دارد. تحقق عدالت اجتماعی در شهرها در نهایت به رضایت شهروندان از شیوه زندگی خود منجر شده و به ثبات سیاسی و اقدار ملی کمک شایانی خواهد نمود. از نقطه نظر جغرافیایی عدالت اجتماعی شهر متراffد با توزیع فضایی عادلانه امکانات و منابع بین مناطق مختلف شهری و دستیابی برابر شهروندان به آن‌ها است زیرا عدم توزیع عادلانه آن‌ها به بحران‌های اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی خواهد انجامید (شريفی، ۱۳۸۵، ۶). از طرف دیگر وجود نابرابری در کیفیت زندگی، گروه‌های محروم را متوجه گروه‌های مرجع نموده و مشکلات دیگر را ایجاد می‌کند (جاجرمی و کلت، ۱۳۸۵، ۷). بنابراین مهمترین رسالت برنامه ریزان و مدیران شهری در این زمینه تلاش برای دستیابی به آرمان «فرصت‌های برابر» در دسترسی گروه‌های مختلف جامعه شهری به خدمات شهری و از بین بردن تضاد در تأمین فرصت‌های آموزشی، بهداشتی، خدماتی و مانند آن است. در راستای رسیدن به چنین هدفی رعایت اصل برابری و دستیابی برابر به فرصت‌های زیست شهری از اولویت‌های اساسی است.

شهر اسفراین در استان خراسان شمالی از جمله شهرهایی است که دارای هسته روستایی بوده و از به هم پیوستگی ۱۹ روستای کوچک تشکیل شده است. هر کدام از این روستاهای در گذشته به عنوان یک محله شهری شناخته می‌شوند و دارای ویژگی‌های کالبدی و فرهنگی مشخصی بودند. به تدریج، با رشد شتابان جمعیت و اسکان مهاجران روستایی در بخش‌های حاشیه‌ای شهر از یک طرف و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری از طرف دیگر تحولات کالبدی و اجتماعی چشمگیری به‌وقوع پیوست که یکی از مهمترین پیامدهای آن کمنگ شدن هویت محله‌ای و افزایش نقش عوامل اقتصادی-اجتماعی در تعیین محله مسکونی بوده است. در این پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن تفکیک و سطح بندی محلات شهر اسفراین از لحاظ وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین و الگوی توزیع کاربری‌های خدمات شهری به این دو سؤال اساسی پاسخ داده شود که آیا بین سطح اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات و میزان برخورداری محلات از کاربری‌های خدماتی رابطه معنی‌داری وجود دارد؟ و آیا نحوه توزیع کاربری‌های شهری به عنوان عاملی در جهت جدایی گزینی‌های مسکونی عمل کرده است؟

پیشینه تحقیق

مفهوم عدالت اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات جغرافیایی شده، اما ریشه این نوع جغرافیای مردمی که در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی تلاش می کند، به پیشنهادات پتروکروپتکین در زمینه پیکار علیه فقر، ناسیونالیسم اروپایی و نژاد پرستی در بیش از یک قرن قبل بر می گردد (شکویی، ۱۳۸۲، ۱۸۹). از دهه ۱۹۷۰ با افزایش طرفداران جغرافیای رادیکال این بحث بطور جدی در جغرافیا مطرح شد. به طوریکه دیوید هاروی با کتاب «عدالت اجتماعی و شهر» و دیوید اسمیت با کتاب «جغرافیا و عدالت اجتماعی» این مفهوم را به طور جدی در جغرافیا مطرح نمودند (مرصوص، ۱۴، ۱۳۸۲).

به طور کلی بحث عدالت اجتماعی در ایران به صورت مستقیم و غیر مستقیم در مقالات ارائه شده به سمینارها، کنگره‌ها و مجلات ادواری جغرافیا دیده می شود که در زمینه‌های مختلف نابرابری‌های جهانی، منطقه‌ای، درون شهری، روستا- شهری و مانند آن قابل تقسیم بندی هستند اما مقالات و کتبی که به زبان فارسی با بنیان‌های فلسفی به مسئله عدالت اجتماعی پرداخته باشند، محدودند که از جمله این منابع می‌توان به آثار حسین شکویی و دیوید هاروی اشاره کرد. آثاری که به نابرابری‌های درون شهری پرداخته اند عمدتاً به بحث حاشیه‌نشینی، مشاغل غیررسمی، مساکن ارزان قیمت و چگونگی توزیع فضایی خدمات شهری پرداخته اند. در سال‌های اخیر رساله‌های چندی بی عدالتی‌های درون شهری را مورد بررسی قرار داده اند که از جمله می‌توان به رساله عماد افروغ (۱۳۷۶)، حسین حاتمی نژاد (۱۳۷۹)، نفیسه مرصوص (۱۳۸۲) و عبدالتبی شریفی (۱۳۸۵) اشاره کرد.

دیدگاه‌های رایج در زمینه فضای شهری و نابرابری‌های اجتماعی

الف) دیدگاه کارکردگرایی در فضا و نابرابری اجتماعی

دیدگاه کارکردگرایان نسبت به نابرابری اجتماعی در جغرافیای شهری بیشتر در قالب نظریات اکولوژیست‌ها مطرح شده است. در این مکتب در زندگی اجتماعی شهرها، طرح اکولوژی گیاهی ارنسن‌ها کل به کار گرفته شده زیرا بنیانگذاران مکتب شیکاگو معتقدند گروه‌های شهری با هر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی، مانند گونه‌های گیاهی، با حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مرحل اکولوژیک را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می‌کنند (شکویی، ۱۳۷۹، ۱۲۷). نظریه پردازان کارکردگرایی از وجه جهانی و همیشگی بودن نابرابری نتیجه می‌گیرند که نابرابری وجه اساسی هر سازمان اجتماعی است و ضرورتی است کارکردی که در جهت کارکرد مؤثر جامعه ایفای نقش می‌کند. دیویس و مور دو ملاک عمدۀ را برای اهمیت کارکردی یک موقعیت ارائه می‌کنند: الف) میزان کمیابی موقعیت در مقایسه با سایر موقعیت‌ها، ب) میزان وابستگی سایر موقعیت‌ها به موقعیت مورد نظر. از دیدگاه آنان نابرابری اجتماعی طرحی ناآگاهانه است که از طریق آن جوامع مطمئن می‌شوند که مهمترین موقعیت‌ها به طور خودآگاه توسط شایسته ترین افراد اشغال خواهد شد (افروغ، ۱۳۷۷، ۱۷۲).

به عقیده رابرت پارک، فرایندهای طبیعی و درونی شهر به گونه‌ای به رقابت بر سر منابع کمیاب برمی‌گردد که در نهایت به انطباق اکولوژیک می‌انجامد. رقابت در اجتماع برای ایجاد تعادل اجتماعی است. رقابت بین افراد و گروه‌های شغلی و طبقاتی به همکاری رقابت آمیز از طریق تمايزیافتگی کارکردی و توزیع فضایی موزون کارکردها در نواحی مربوط منجر می‌شود. به تعبیر پارک، تمايزیافتگی کارکردی، به طور فضایی نیز تبلور پیدا می‌کند زیرا رقابت نه تنها باعث تقسیم کار می‌شود بلکه گروه‌های مختلف اقتصادی را به نواحی گوناگون شهر می‌پراکند. به عقیده وی فشار بر فضا در مرکز شهر باعث افزایش ارزش زمین می‌شود و تفاوت در ارزش زمین مکانیزمی است که توسط آن گروه‌های مختلف کارکردی در فضا به شیوه‌ای منظم و بدون برنامه ریزی پخش می‌شوند (همان‌جا، ۲۰۳-۲۰۲).

ب) دیدگاه قدرت در فضا و نابرابری اجتماعی

به نظر مارکس بر مبنای موقعیت‌ها و وظایف گوناگونی که افراد در ساختار تولید جامعه دارند، طبقه اجتماعی شکل می‌گیرد. دو عامل اصلی در تشکیل طبقه اجتماعی دخیل است: شیوه تولید (کشاورزی، پیشه‌وری، صنعتی) و مناسبات تولید. در نگاه مارکس، داشتن موقعیت‌های متفاوت در ارتباط با وسائل تولید، میان افراد جامعه تضاد ایجاد می‌کند (تمامی، ۱۳۷۳، ۷-۶).

مارکس و انگلس فضای شهری را قلمرویی می‌دیدند که فرایندهای درهم تنیده انباشت سرمایه و سیاست طبقاتی در آن تمرکز می‌یابد. در شهرهای بزرگ، تجارت، تولید کارخانه‌ای، تمرکز مالکیت و تمرکز جمعیت به بالاترین حد خود می‌رسد و یک طبقه غنی و یک طبقه فقیر ظاهر می‌شود. در شهرها گرایش سرمایه به تمرکز و گرایش طبقات اجتماعی به قطبی شدن، عینیت و گسترش می‌یابد. در مجموع، دو نکته به طور اخص در دیدگاه مارکس موجود است که مبرهن شدن رابطه فضا و نابرابری اجتماعی را یاری می‌دهد: اول نگاه وی به شهر از بعد تولید، انباشت و تمرکز سرمایه، دوم توجه به شهر به مثابه زمینه‌ای برای تمرکز اکولوژیک طبقه کارگر و در نتیجه، ظهور خودآگاهی طبقاتی به مثابه عامل مهم در شکل گیری طبقات است (افروغ، ۱۳۷۷، ۲۰۵-۲۰۴).

بر عکس تفسیر مارکس از پیدایش نابرابری‌های اجتماعی بر پایه بعد اقتصادی که او آن را مهمترین سازه در زندگی اجتماعی می‌دید، ماکس ویر بر این باور بود که ارائه یک تفسیر تک بعدی از پدیده اجتماعی پیچیده‌ای چون نابرابری‌های اجتماعی از اهمیت این پدیده می‌کاهد (کمالی، ۱۳۷۹، ۱۰۸). ویر اهمیت شاخص‌های اقتصادی را در رشد نابرابری‌های اجتماعی نادیده نمی‌گیرد. برای او نیز چون مارکس، مالکیت نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع امکانات عرضه شده به فرد یا به طبقه ایفا می‌کند. با این وصف، او به این بعد اقتصادی دو بعد دیگر اضافه کرد: قدرت و حیثیت. در نگاه او مالکیت و قدرت و حیثیت با وجود وابستگی متقابل‌شان سه بنیان متمایزند که بر روی آن‌ها نظام قشریندی در هر جامعه‌ای سامان می‌یابد. تفاوت در برخورداری از مالکیت اموال منشاء طبقه‌بندی اجتماعی است، تقسیم نابرابر قدرت به تشکیل احزاب سیاسی می‌انجامد و درجات حیثیت گوناگون منشاء پیدایش قشرهای اجتماعی است که از دارندگان پایگاه‌های اجتماعی

مشابه تشکیل شده اند(تامین، ۱۳۷۹، ۱۰-۴). بنابراین از نظر ویرابطه فضا و نابرابری را نباید تنها از بعد طبقاتی آن نگریست بلکه گروه بندی های متزلتی نیز آثار و دلالت هایی برای تحلیل فضا و نابرابری در محیط شهری دارند(افروغ، ۱۳۷۷، ۲۱۴).

نظریه عدالت اجتماعی در جغرافیای شهری

نابرابری افراد از لحاظ ثروت، قدرت و شان اجتماعی، با وجود شباهت استعدادهای شان واقعیت انکارناپذیر در همه جوامع بوده است. وانگهی هیچ ارتباط معناداری میان نابرابری در ثروت و قدرت و نابرابری در استعدادهای طبیعی وجود نداشته است. بنابراین، دفاع از این نابرابری ها و یا نفی آن ها موضوع اصلی بحث عدالت را تشکیل می دهد(بشيریه، ۱۳۷۵، ۳۶). از نظر برایان بری نظریه عدالت اجتماعی نظریه ای است که درباره نوع ترتیبات اجتماعی بوده و قابل دفاع باشد. وی معتقد است در حالی که عدالت اجتماعی یک مفهوم بسیار وسیع است، اغلب توجه بر روی توزیع درآمد و سایر منابع مرفوع کننده نیاز مردم است که به شرایط مادی جمعیت بستگی دارد(Barry, 1989, 3).

جان رالز که از نظریه پردازان علوم سیاسی بود در سال ۱۹۷۱ تئوری عدالت را مطرح نمود. تئوری جان رالز به رغم اینکه موضوعی گسترده و نتیجتاً اتفاق برانگیز بود ولی هنوز تا حد سیار زیادی نفوذ خود را در برخی از مباحث اخیر عدالت اجتماعی حفظ کرده و همچنین در طرح یک چارچوب نظری در خصوص «نیاز انسان» مؤثر بوده است(Johnston et al, 1994, 564). رالز بالحاظ نمودن دو اصل موقعیت عادلانه خود را ارائه می دهد: اول بهره مندی از آزادی حداکثری تا حدی که به آزادی دیگران لطفه وارد نسازد؛ دوم این که نابرابری را در حدی می پذیرد که به منافع طبقه کم درآمد جامعه لطفه ای وارد نسازد(شریف زادگان، ۱۳۸۵، ۱۳). بنابراین وی معتقد است که سیاست های اجتماعی بایستی بر حسب تأثیر بر فقیرترین اعضای جامعه مورد قضاوت قرار گیرد. به عبارت دیگر بایستی اقداماتی انجام پذیرد که طی آن سود فقرا بر منافع ثروتمندان ترجیح داده شود(Smith, 1996, 787).

دیوید هاروی، اولین جغرافیدانی بود که مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار گرفت(شکویی، ۱۳۷۸، ۱۴۱). به عقیده هاروی مفهوم عدالت اجتماعی اصولاً آنقدر همه شمول نیست که بتوان در قالب آن درباره یک اجتماع خوب قضاوت کرد. عدالت را اساساً می توان به عنوان اصل (یا مجموعه ای از اصول) در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. اصول عدالت اجتماعی باید ناظر بر تقسیم ثمرات تولید و توزیع مسئولیت ها در فرآیند کار جمعی باشد. این اصول همچنین شامل نهادها و سازمان های اجتماعی مرتبط با فعالیت تولید و توزیع نیز می شود. لذا به کمک این اصول می توان مسائل متنوعی مانند مکان یابی قدرت و توانایی تصمیم گیری، توزیع نفوذ نهادهای کنترل کننده و تنظیم کننده فعالیت ها و جز آن را بررسی کرد(هاروی، ۱۳۷۶، ۹۷).

هاروی در تحلیل اصول عدالت اجتماعی سه معیار مهم «نیاز»، «منفعت عمومی» و «استحقاق» را مطرح می کند و معتقد است این سه معیار از جامعیت کاملی برخوردارند که معیارهای دیگر را نیز دربرمی گیرد(حاتمی تزاد و راستی، ۱۳۸۵، ۴۷). هاروی بر جنبه های اخلاق گرایانه جغرافیا در خصوص تأمین عدالت اجتماعی و رسالت جغرافیدانان در تأمین عدالت فضایی تأکید دارد(Harvey, 1969, 3-8).

دستیابی به نوعی سازمان یابی فضایی می‌داند و معتقد است که شرط لازم و اولیه چنین کاری این است که معیار اجتماعی عادلانه‌ای اولاً برای تعیین حد و مرز مناطق و ثانیاً برای تخصیص منابع به این مناطق داشته باشیم. شرط اول مربوط به مطالعات ستی جغرافیا یعنی منطقه بندی است و در زمینه تخصیص منابع نیز هاروی پاییند این استدلال را از است که بیشترین منابع باید به محروم‌ترین منطقه اختصاص باید (هاروی، ۱۳۷۶، ۱۱۳). در این پژوهش نظریه عدالت اجتماعی و به خصوص عقاید دیوید هاروی در زمینه لزوم به کارگیری اصول عدالت اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری و برخورداری برابر شهروندان از خدمات و امکانات شهری به عنوان مبنای نظری پژوهش مدنظر قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها

نوع تحقیق این پژوهش کاربردی و روش بررسی آن مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مختلف اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در روش اسنادی و کتابخانه‌ای مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق بررسی شده و آمار و اطلاعات کاربری‌های شهری از طرح تفصیلی اخذ گردیده و نهایتاً از روش میدانی برای کسب اطلاعات پرسشنامه‌ای سود جسته شده است.

به منظور دست‌یابی به اهداف این تحقیق که بررسی رابطه بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات شهری و نحوه توزیع کاربری‌های خدمات شهری است، از شاخص ناموزون موریس استفاده شده است. در ابتدا شاخص‌های مناسب در تعیین وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانوارهای شهری استخراج و در قالب سه دسته شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی تقسیم بندی شده است. اطلاعات مربوط به اغلب این شاخص‌ها از طریق پرسشنامه و چند شاخص نیز از طرح تفصیلی استخراج شده است.

در این پژوهش، جامعه آماری خانوارهای ساکن در شهر اسفراین می‌باشد و تعیین حجم نمونه نیز با روش کوچران انجام شده است. حجم نمونه بدست آمده ۲۱۰ خانوار بوده که توزیع پرسشنامه‌ها به نسبت جمعیت محلات و به صورت تصادفی تکمیل شده است.

پس از تعیین سطوح اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات، مجدداً با استفاده از روش موریس بر اساس سرانه هر کدام از کاربری‌های خدماتی، محلات سطح بندی شده‌اند و در نهایت رابطه بین سطح اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات و میزان برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری استخراج شده است. به منظور سطح‌بندی محلات، محاسبه میزان همبستگی بین شاخص‌های نهایی با یکدیگر و همچنین میزان همبستگی بین سطح اقتصادی-اجتماعی محلات با سطح برخورداری محلات از کاربری‌های خدماتی از نرم افزار SPSS و به منظور ترسیم نقشه و نمایش سطوح محلات از نرم افزار ARC/GIS استفاده شده است.

شاخص‌هایی که به منظور تعیین سطح اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات شهر اسفراین به کار رفته عبارتند از: شاخص‌های اقتصادی (شامل درآمد^۱، قیمت زمین، درصد مالکیت منزل مسکونی، درصد بهره‌گیری

^۱. اطلاعات خام شاخص‌های مانند درآمد، قیمت زمین، نوع شغل و سطح سواد که در چند سطح تقسیم می‌شوند قبل وارد شدن در مدل موریس در ضرایب جداگانه‌ای ضرب شده تا هم به یک ضریب واحد تبدیل شود و هم میزان اهمیت هر کدام از سطوح لحاظ شده باشد.

از نهادهای حمایتی، درصد برخورداری از موبایل، درصد برخورداری از کامپیوتر، شاخص‌های اجتماعی (بار تکلف، درصد شاغلین زن، درصد پوشش بیمه درمانی، درصد برخورداری از اینترنت، پایگاه شغلی، سطح سواد) و شاخص‌های کالبدی (سرانه مسکونی، سرانه اتاق به نفر، درصد مساکن بیش از یک طبقه، درصد مساکن دارای نمای مناسب، درصد مساکن نوسازیا عمر کمتر از ده سال، درصد مساکن با مصالح بادوام). شاخص‌هایی نیز که برای سطح بندی محلات از نظر میزان برخورداری از کاربری‌های شهری استفاده شده آند عبارتند از: سرانه تجاری، آموزشی، فرهنگی، جهانگردی و پذیرایی، بهداشتی و درمانی، ورزشی، پارک و فضای سبز، مذهبی، صنعتی، انبار و حمل و تعمیرگاه و ترابری.

نکته مهم در روش موریس که با استفاده از داده‌های توصیفی هر واحد در مقایسه با واحدهای دیگر و با بهره‌برداری از دو پارامتر زیر سطح توسعه یافتنگی انجام می‌شود این است که شاخص‌های بکار گرفته شده باید همسو یا هم جهت باشند. ضریب شاخص توسعه موریس بین صفر تا ۱۰۰ نوسان دارد که هرچه به ۱۰۰ نزدیکتر باشد، سطح توسعه یافتنگی بیشتر است (فرهودی، ۱۳۸۳).

یافته‌های تحقیق

به منظور بررسی تفاوت سطح اقتصادی- اجتماعی ساکنین محلات شهر اسفراین و میزان ارتباط آن با برخورداری از کاربری‌های خدماتی شهر ابتدا با استفاده از شاخص ناموزون موریس به رتبه بندی محلات این شهر از نظر سطح اقتصادی- اجتماعی ساکنین هر کدام از محلات پرداخته شد و مجدداً محلات بر اساس سرانه کاربری‌های هوردنظر سطح بندی گردید که نتایج آن در جداول ۱ و ۴ به تفکیک نشان داده شده است.

برای نمایش تفاوت‌های موجود در وضعیت اقتصادی- اجتماعی ساکنین محلات شهر اسفراین، محله‌ها در چهار دسته سطح بندی گردیده که به ترتیب سطح یک، محلات محل سکونت اقشار دارای سطح اقتصادی- اجتماعی بالاتر و سطح چهار محلات اشغال شده توسط خانوارهای ضعیف تراست که شکل ۱ این تفاوت‌ها را نشان می‌دهد.

مقایسه بین رتبه و نهایتاً سطح بندی محلات یانگر یک روند کاهش نسبی در وضعیت اقتصادی- اجتماعی ساکنین محلات مرکزی به حاشیه شهر است به طوری که معمولاً محلات مرکزی شهر رتبه نهایی برتری کسب نموده اند و در سطوح بالاتر قرار گرفته اند و بتدريج به سمت محلات حاشیه‌ای این وضعیت بر عکس می‌شود. هم چنین در بخش مرکزی شهر نیز نیمة شمالی آن که دارای فضاهای سبز بیشتر و بناهای مترونده و قدیمی کمتری است، از وضعیت مناسب‌تری برخوردار می‌باشد. از دیگر نکات قابل مشهود در جدول ۱، رتبه پانزدهم در ضریب نهایی هر سه شاخص برای محله ویژه صنعتی است که بیشتر به خاطر دوری از مرکز شهر، وجود درصد بالای کاربری‌های ناسازگار با کاربری‌های مسکونی و نهایتاً اسکان اقشار کم درآمد و شاغل در صنایع و کارگاه‌ها و انبارهای این محله است. همچنین محله ۲-۳ که با وجود دارا بودن رتبه ۸ و ۷ در رتبه‌های اقتصادی و اجتماعی در رتبه‌بندی شاخص نهایی کالبدی رتبه اول را بدست آورده، در واقع یک شهر ک مسکونی است که

به دلیل نوساز بودن و سازمانی بودن اغلب بنای مسکونی آن از نظر شاخص‌های کالبدی رتبه مناسبی کسب کرده اما بیشتر توسط اقشار اقتصادی-اجتماعی دارای وضعیت متوسط اشغال شده است.

مقایسه نتایج نهایی شاخص‌های سه گانه در سطح محلات نشان می‌دهد که ضریب شاخص‌های نهایی کلی متفاوت بوده و از حداقل ۱۲/۱۷ تا حداقل ۷۶/۱ تا حداقل ۱۲/۱۷ نوسان دارد. وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات بر مبنای شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به ترتیب از ۱۱/۰۳، ۸۶/۱۵ تا ۱۱/۰۳ و ۹۴/۱۱ تا ۸۱/۰۳ و ۹۴/۱۱ تا ۸۱/۰۳ نوسان دارد. در واقع نوسانات ضریب نهایی شاخص اجتماعی در بین محلات بیشتر از شاخص‌های اقتصادی و کالبدی است که بیشتر به دلیل اسکان مهاجران روستایی در محلات حاشیه‌ای شهر است که اگرچه ممکن است از نظر شاخص‌های اقتصادی و کالبدی تفاوت کمتری با ساکنین محلات مرکزی داشته باشد اما از نظر شاخص‌های اجتماعی مثل سواد و نوع شغل این تفاوت‌ها از نمود بیشتری برخوردار است.

جدول ۱ رتبه و سطح بندی محلات شهر اسفراین بر اساس وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین

اجتماعی	نهایی	نهایی کلی	رتبه	سطح اقتصادی-		شاخص نهایی کالبدی	مقدار	رتبه	سطح اقتصادی-		شاخص نهایی اجتماعی	مقدار	رتبه	محلات
				نهایی	رتبه				نهایی	رتبه				
III	۱۰	۳۰/۰۴	۹	۴۱/۴۵	۱۰	۲۷/۳۹	۱۰	۲۱/۲۸	۱-۱	۱-۱	۱-۱	۲۱/۲۸	۱-۱	۱-۱
II	۴	۵۴/۷۲	۸	۴۲/۷۸	۵	۵۳/۷۷	۵	۶۷/۶۲	۱-۲	۱-۲	۱-۲	۶۷/۶۲	۱-۲	۱-۲
I	۱	۷۶/۱	۴	۴۸/۰۴	۱	۹۴/۱۱	۱	۸۶/۱۵	۲-۱	۲-۱	۲-۱	۸۶/۱۵	۲-۱	۲-۱
II	۵	۵۳/۹۴	۶	۴۶/۲۱	۳	۵۵/۳۷	۴	۶۰/۴۴	۲-۱	۲-۱	۲-۱	۶۰/۴۴	۲-۱	۲-۱
IV	۱۴	۱۸/۳۵	۱۴	۱۳/۷۴	۱۴	۱۱/۴۶	۱۴	۲۹/۸۵	۲-۲	۲-۲	۲-۲	۲۹/۸۵	۲-۲	۲-۲
II	۶	۴۹/۸۴	۱	۸۱/۵۳	۷	۴۵/۸۳	۸	۲۲/۱۶	۲-۳	۲-۳	۲-۳	۲۲/۱۶	۲-۳	۲-۳
III	۱۱	۲۹/۱۷	۷	۴۵/۴	۱۲	۱۸/۶۷	۱۲	۲۴/۰۴	۳-۱	۳-۱	۳-۱	۲۴/۰۴	۳-۱	۳-۱
II	۲	۵۹/۸۹	۲	۵۴/۶۴	۲	۶۱/۱۲	۲	۶۳/۹۲	۳-۲	۳-۲	۳-۲	۶۳/۹۲	۳-۲	۳-۲
II	۳	۵۷/۷۱	۳	۵۲/۶۵	۴	۵۳/۹۲	۶	۶۵/۵۵	۳-۱	۳-۱	۳-۱	۶۵/۵۵	۳-۱	۳-۱
II	۸	۴۶/۱۷	۱۱	۳۷/۷۳	۸	۳۶/۵	۷	۶۴/۲۷	۴-۱	۴-۱	۴-۱	۶۴/۲۷	۴-۱	۴-۱
II	۷	۴۷/۷۴	۵	۴۷/۷۴	۶	۵۳/۰۵	۳	۲۲/۴۳	۴-۲	۴-۲	۴-۲	۲۲/۴۳	۴-۲	۴-۲
III	۹	۳۷/۵۸	۱۲	۳۱/۸۷	۹	۲۳/۷۸	۹	۴۷/۱	۴-۳	۴-۳	۴-۳	۴۷/۱	۴-۳	۴-۳
IV	۱۳	۲۲/۸	۱۰	۳۸/۵۱	۱۳	۱۷/۹	۱۳	۱۱/۹۹	۵-۱	۵-۱	۵-۱	۱۱/۹۹	۵-۱	۵-۱
III	۱۲	۲۵/۵۱	۱۳	۲۷/۸۱	۱۱	۲۲/۵۲	۱۱	۲۶/۲	۵-۲	۵-۲	۵-۲	۲۶/۲	۵-۲	۵-۲
IV	۱۵	۱۲/۱۷	۱۵	۱۹/۸۷	۱۵	۵/۶۱	۱۵	۱۱/۰۳	۵-۳	۵-۳	۵-۳	۱۱/۰۳	۵-۳	۵-۳
ویژه صنعتی														

منبع: محاسبات نگارنده

نتایج حاصل از کاربرد ضریب همبستگی پرسون بیانگر وجود همبستگی مستقیم بین شاخص‌های سه گانه در سطح محلات است به طوری که رابطه بین شاخص‌های نهایی اجتماعی با اقتصادی و اجتماعی با کالبدی معنی دار بوده اما سطح معنی داری شاخص اقتصادی با کالبدی غیر قابل قبول می‌باشد. در محاسبات انجام شده ضریب همبستگی بین شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی ۰/۸۴ در سطح معناداری ۰/۰۱ را نشان می‌دهد. رابطه بین شاخص نهایی اجتماعی با کالبدی نیز با ضریب همبستگی ۰/۵۷ در سطح معناداری ۰/۰۵ قابل قبول است اما

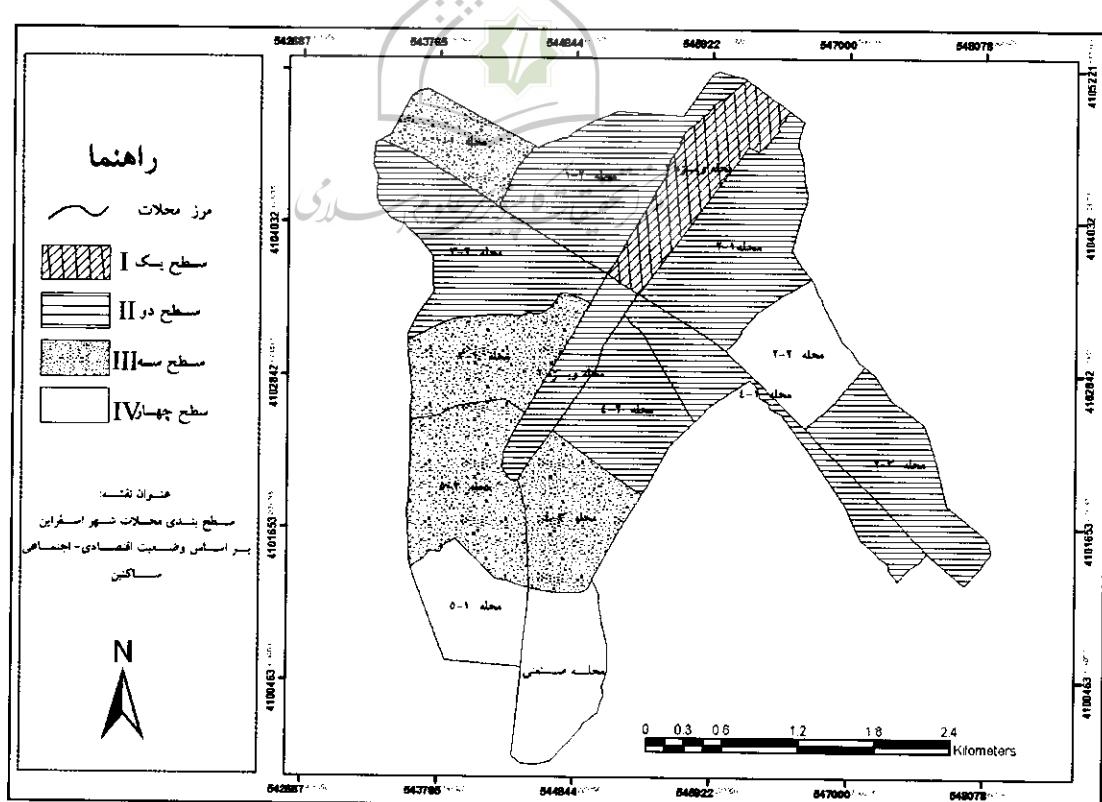
بین شاخص نهایی اقتصادی با کالبدی با وجود داشتن همبستگی مستقیم (۰/۲۱) رابطه معناداری حاصل نمی‌شود. وجود چنین رابطه‌ای نشان می‌دهد که در سطح شهر اسفراین معمولاً گروه‌هایی که از نظر شاخص‌های اجتماعی در سطح بالاتری قرار می‌گیرند، معمولاً از نظر اقتصادی نیز جزو اقسام مرتفع‌تر هستند و بالعکس. وجود رابطه ضعیف‌تر بین ضریب نهایی شاخص کالبدی با شاخص اجتماعی و رابطه غیر قابل قبول آن با ضریب نهایی شاخص اقتصادی به دلیل سکونت اقسام با وضعیت برتر اقتصادی- اجتماعی در محلات مرکزی شهر است که در این محلات بنای‌های قدیمی تر و کم دوام تر بیشتری نسبت به محلات نوساز حاشیه‌ای وجود دارد.

جدول ۲ بررسی میزان همبستگی بین شاخص‌های نهایی

شاخص نهایی کالبدی	شاخص نهایی اجتماعی	شاخص نهایی اقتصادی	نوع شاخص
۰/۲۱	۰/۸۷**	-	شاخص نهایی اقتصادی
۰/۵۷*	-	۰/۸۴	شاخص نهایی اجتماعی
-	۰/۵۷	۰/۲۱	شاخص نهایی کالبدی

**: ۹۹٪ اطمینان (سطح معناداری ۰/۰۱)

*: ۹۵٪ اطمینان (سطح معناداری ۰/۰۵)



شکل ۱ سطح بندی محلات شهر اسفراین بر اساس وضعیت اقتصادی- اجتماعی ساکنین

جدول سرانه کاربری‌های خدماتی در محلات (جدول ۳) نشان می‌دهد که هم بین سرانه کاربری‌های مختلف در یک محله و هم بین سرانه کاربری‌ها در محلات مختلف در مقایسه با یکدیگر نوعی بی‌نظمی و عدم تعادل وجود دارد. به عنوان مثال در محله ۲-۲ و محله ۲-۳ از بین کاربری‌های مورد نظر تنها سه کاربری در سطح محله وجود دارد. و از طرف دیگر در محله ویژه صنعتی به دلیل وسعت زیاد محله و جمعیت کم آن سرانه کاربری‌ها در سطح بالاتری قرار دارد که اغلب این کاربری‌ها نیز جزو دسته کاربری‌های نامطلوب هستند. اغلب این ناهمگونی‌ها در سرانه کاربری‌ها در محلاتی است که از نظر وضعیت اجتماعی-اقتصادی ساکنین آن جزو محلات سطح چهار قرار گرفته‌اند.

جدول ۳ اطلاعات اولیه سرانه کاربری‌های خدمات شهری به تفکیک محلات

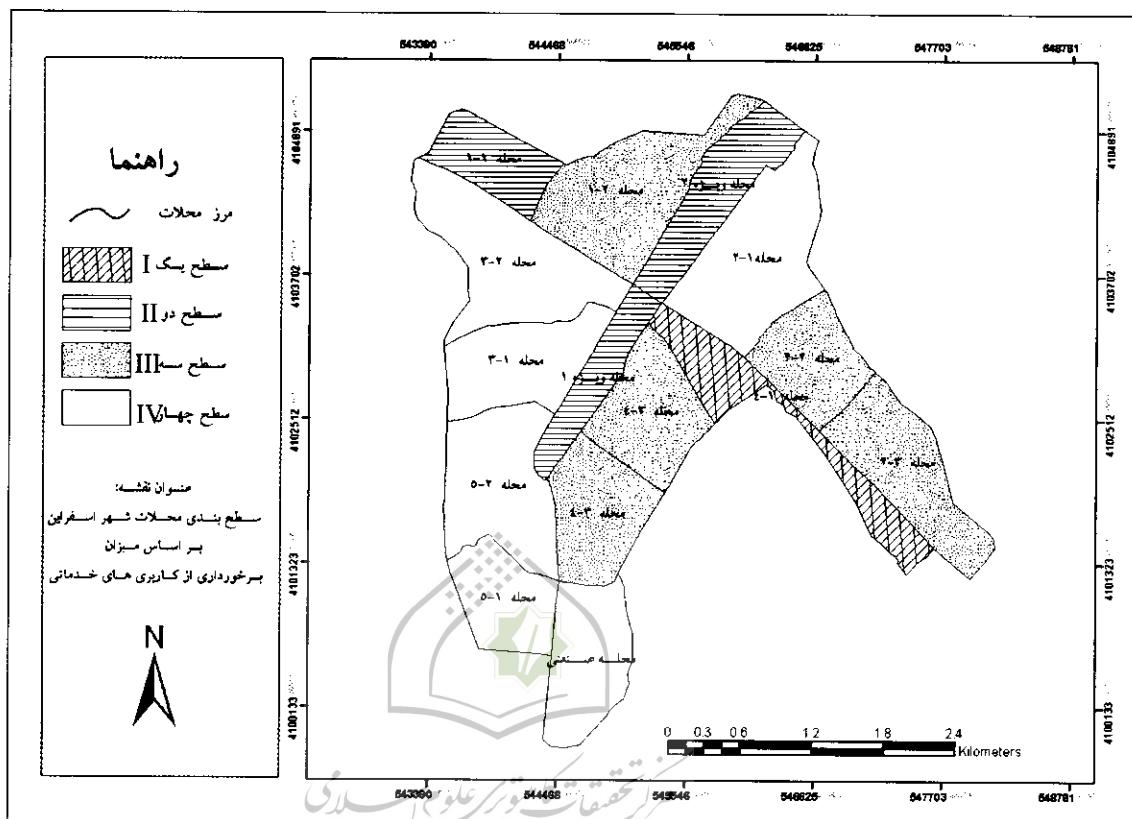
کاربری‌ها محلات	کاربری‌ها										
	تعیرگاه و ترابری	انبار و حمل و نقل	صنعتی	منعمی	پارک و فضای سبز	ورزشی	بهداشتی و درمانی	جهانگردی و پذیرایی	فرهنگی	آموزشی	تجاری
۱-۱	.	۰/۳۳	۰/۰۶	۰/۲۸	۳۴/۲۸	۰	۰	۰	۰	۲/۹۳	۰/۶۲
۱-۲	.	.	۰/۱۶	۰/۰۸	۱۹/۹	۰	۰/۳۷	۰	۰	۲/۶۸	۱/۲۶
۲۰	.	۰/۲	۰/۳۵	۰	۱۷/۷۳	۰	۰	۰/۰۱	۲/۱۲	۴/۳	۲/۶۱
۲-۱	.	۰/۰۴	۲/۷۷	۰/۱۱	۰	۰	۱/۵۶	۰/۰۳	۰/۱۱	۴/۲۴	۱/۱۴
۲-۲	۳/۴۲	۰	.	.	.	۱۶/۴۵	۰/۲۳
۲-۳	۳/۸	۰	۶۸/۶۸	۰	۰	۰	۰/۲۴
۳-۱	۱/۱۶	۰/۵۵	۰/۲۹	۰/۰۵	۰	۰	۰	۰	۰	۲/۴	۱/۹۲
۳-۲	۰/۲۸	۰/۹۵	۰	۰/۰۹	۱/۵۲	۰	۰	۰	۰	۳/۳۲	۱/۳۱
۳۰	۰/۰۸	۰/۲۳	۰	۰/۵۵	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۹	۲/۵۸	۶/۶۵	۰/۰۹
۴-۱	.	۰/۰۵	۰/۱۴	۰/۰۴	۰/۳۷	۰/۱۳	۰/۰۳	۰/۰۴	۰	۱/۴	۱/۷
۴-۲	.	۰/۰۳	۰/۲۱	۰/۴۳	۰	۰	۰	۰	۱/۹۸	۵/۱۳	۱/۱۵
۴-۳	۰/۱۵	۰/۴۳	۰/۱۸	۰/۴۳	۰	۰	۳/۰۴	۰	۰/۱۸	۵/۶۴	۰/۹۲
۵-۱	۲/۷۶	۰/۷۲	۰	۰/۲۲	۱/۹۸	۴۰/۹۶	۳/۴۴	۰	۰	۲/۹۷	۰
۵-۲	.	۲/۷	۰/۱۸	۰	۰/۳	۰	۰	۰	۰	۳/۲	۱/۰۷
۵۰	۷۶/۷۷	۲۱/۱۷	۹۸/۰۲	۰	۳۰/۳۸	۲۸/۰۲	۰	۰	۰	۸/۷۸	۱۳/۴۷

منبع: طرح تفصیلی شهر اسفراین

دیگر یافته پژوهش در زمینه نحوه توزیع کاربری‌های شهری در سطح شهر اسفراین نیز بیانگر عدم تعادل در این زمینه وجود تفاوت در سطح برخورداری ساکنین محلات مختلف از این خدمات است. به طوری که ضریب شاخص نهایی کاربری‌های خدمات شهری بین محلات متفاوت بوده و از حداقل ۲۸/۵۲ تا حداقل ۴۷/۳۳ در نوسان می‌باشد (جدول ۴).

مهترین یافته پژوهش به عنوان پاسخ سوال اصلی این تحقیق وجود رابطه مستقیم بین سطح اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات و میزان دسترسی به کاربری‌های خدمات شهری است. میزان همبستگی بین ضریب شاخص نهایی سطح اقتصادی-اجتماعی محلات با ضریب شاخص نهایی سطح برخورداری محلات از

کاربری‌های شهری برابر با ۰/۵۴ می‌باشد. وجود چنین رابطه‌ای نشان می‌دهد نحوه توزیع کاربری‌های شهری یکی از عوامل مهم در جدایی گزینی فضایی ساکنین شهر اسفراین بوده است.



شکل ۲ سطح بندی محلات شهر اسفراین بر اساس میزان برخورداری از کاربری‌های شهری

جدول ۴ رتبه و سطح بندی محلات شهر اسفل این بر اساس میران برخورداری از کاربری های خدمات شهری

محلات	تجاری	آموزشی	فرهنگی	جهانگردی و پذیرایی		بهداشتی - درمانی		پارک و فضای مذهبی		صنعتی		ابناد حمل و نقل		تمثیرگاه و ترابری		شناختی و بهداشتی		سطح کاربری خدماتی					
				نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی	نهایی				
I	۱۵	۱۰	۱۰	۱۰	۷	۹۸/۹۴	۲	۹۹/۹۴	۴	۳۳/۳۳	۱	۱۰۰	۵	۰	۰	۶	۰	۹	۱۷۷۸۱	۱۳	۷۹۲	۱-۱	
II	۵	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۴	۹۹/۸۴	۸	۹/۰۲	۳	۵۸/۵۰	۰	۰	۰	۰	۱۰	۱۶۳۹	۸	۷۷۸	۱-۲	
III	۹	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۴	۹۹/۸۴	۸	۹/۰۲	۵	۵۸/۵۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۵	۲۶۱۴	۴	۱۷۹۸	۱-۳
IV	۲	۱	۱۰۰	۵	۹۸/۰۵	۸	۹۸/۰۵	۹	۰	۴	۵/۱۷۲	۵	۰	۰	۰	۳	۱۰۰	۱	۱۰۰	۵	۹۸/۷	۱-۴	
V	۱۰	۱	۱۰۰	۳	۹۹/۸۱	۹	۹۷/۱۷	۶	۱۳/۰۹	۱۰	۰	۰	۴	۷/۷۷	۲	۴۱۹۹	۰	۰	۱۰۰	۱	۹۸/۷	۱-۵	
VI	۷	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۹	۰	۱	۳/۸۰	۳	۸/۴۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱۰۰	۱۵	۰	۱-۶	
III	۹	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۹	۰	۰	۱۱/۰۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰-۳	
IV	۱۲	۰	۵۰/۴۷	۹	۹۷/۴	۷	۹۹/۷	۲	۹۸/۵۸	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۲	۱۷۷۹	۳-۱	
V	۱۳	۰	۵۰/۴۷	۹	۹۷/۴	۷	۹۹/۷	۲	۹۸/۵۸	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳-۲	
VI	۴	۱	۸۹/۰۵	۱۱	۹۰/۰۱	۱	۱۰۰	۷	۱۰/۷۱	۷	۴/۴۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰-۱	
II	۲	۹۷/۱	۹	۹۸/۹۱	۱	۱۰۰	۲	۹۰/۹۸	۹	۱۰/۸۷	۰	۰	۰	۱/۹۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰-۰	
I	۱	۱۰۰	۴	۹۹/۷۹	۳	۹۹/۸۴	۱	۱۰۰	۸	۱/۱۸	۷	۰/۱۴	۱	۱۰۰	۰	۰	۱۳	۰/۵۱	۰	۱۱۱	۰-۱		
III	۴	۱	۱۰۰	۲	۹۹/۱۶	۹	۹۹/۷۹	۳	۵۰/۱۹	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰-۲		
III	۸	۳	۹۴/۰۵	۸	۹۷/۹۷	۵	۹۹/۸۲	۳	۵۱/۱۹	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰-۳		
IV	۱۱	۷	۰	۹۸/۹	۱	۱۰۰	۵	۲۶/۱۹	۶	۵۰/۷۸	۱	۱۰۰	۲	۰/۰۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰		
IV	۱۰	۱	۱۰۰	۱۲	۰/۷۲۰	۵	۹۹/۸۲	۹	۰/۸۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰-۴		
V	۱۴	۹	۱۷/۷۰	۱۳	۰	۱۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰		

بحث و نتیجه گیری

در کنار آرمان توسعه و پیشرفت در فرآیند برنامه ریزی، وجود تعادل و هماهنگی بین نواحی مورد نظر در برخورداری از موهابت توسعه امر ضروری است که در صورت عدم رعایت آن سرمایه گذاری های انجام شده نه تنها باعث توسعه نخواهد شد بلکه نابرابری های موجود را عمیق تر نموده و باعث رشد غده ای و ناهماهنگ با توان ها و ظرفیت های محیطی می گردد.

در این مقاله وضعیت اقتصادی- اجتماعی و میزان برخورداری محلات شهر اسفراین از کاربری های شهری بررسی شد. نتایج به دست آمده نشان می دهد نوعی جدایی گزینی فضایی بر اساس وضعیت اقتصادی- اجتماعی بین ساکنین شهر اسفراین اتفاق افتاده است. به طوریکه بخش های مرکزی شهر با وجود داشتن بنای قدمی و بافت فیزیکی در حال تحول هنوز محل سکونت اقسام مرتفع تر جامعه شهری بوده و در جهت شمالی شهر رو به گسترش است.

از دیگر نتایج به دست آمده در این پژوهش، وجود ارتباط معنی دار بین وضعیت اقتصادی- اجتماعی ساکنین محلات با سطح برخورداری از کاربری های خدماتی شهری است. بررسی این شاخص ها نشان می دهد که برخورداری از کاربری های شهری مطلوب و سازگار با کاربری مسکونی از ویژگی های اصلی محلاتی است که اقسام اجتماعی دارای شرایط اقتصادی- اجتماعی بالاتر در آن ساکن می باشند. در صورتی که در محلاتی که محل سکونت اقسام ضعیف تر جامعه است معمولاً سرانه های کاربری های شهری مطلوب پائین تر و در مقابل سرانه کاربری های شهری مزاحم و ناسازگار با کاربری مسکونی بالاتر است که این خود یبانگر نبود عدالت در توزیع خدمات عمومی بوده و زمینه ساز جدایی گزینی های مسکونی و عمیق تر شدن شکاف موجود بین سطح توسعه یافته کی محلات می شود.

با وجود اینکه جدایی گزینی گروه های درآمدی و اجتماعی و نیز نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری های خدمات شهری در بین محلات شهر کوچکی چون اسفراین به اندازه شهرهای بزرگ کشور شدید و نگران کننده نیست اما عدم برنامه ریزی صحیح در این زمینه و تداوم شرایط موجود باعث عمیق تر شدن شکاف موجود و در نتیجه افزایش بی عدالتی های آتی خواهد شد زیرا مشکلات حادی که در شهرهای بزرگ امروزی به وجود آمده ریشه در تصمیمات متولیان شهری گذشته دارد.

چنانچه در مقایسه وضعیت برخورداری محلات تنها به محاسبه سرانه کاربری ها اکتفا شود. نتایج حاصله با اصول عدالت اجتماعی همخوانی نخواهد داشت زیرا کیفیت کاربری های نیز نکه بسیار مهمی است که اغلب در توجیهات آماری نادیده گرفته می شوند. چنانکه در بین محلات شهر اسفراین با وجود اینکه سرانه بسیاری از کاربری ها مناسب است اما در عمل چنین کاربری هایی به هیچ عنوان از کیفیت لازم برای ارائه خدمات به ساکنین برخوردار نیستند. بنابراین علاوه بر اختصاص کاربری های مورد نیاز محلات فقرنشین و ارتقاء کیفیت این کاربری های نیز باید با جدیت دنبال شود تا در کاهش نابرابری های فضایی مؤثر باشد.

تقسیمات درون شهری صحیح و همه جانبه یکی از مهمترین عوامل مؤثر در نحوه توزیع کاربری‌های خدماتی با توجه به الگوی سلسله‌مراتبی آن‌ها است. در این پژوهش به منظور استفاده از آمار سرانه کاربری‌ها، از تقسیمات درون شهری انجام گرفته در طرح تفصیلی استفاده شده است که به نظر می‌رسد مهمترین ملاک آن الگوی شبکه حمل و نقل بوده و پیشینه محلات و مسائل اجتماعی و فرهنگی در آن نادیده گرفته شده است. بدیهی است چنانچه در ترسیم مرز محلات ویژگی‌های انسانی بیشتر مد نظر قرار می‌گرفت، می‌توانست راهگشای برنامه‌ریزان در شناخت تفاوت سطح زندگی شهروندان، میزان برخورداری‌ها، تشخیص مراکز محله‌ای و به طور کلی شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در شهر اسفراین بوده و زمینه‌های لازم را برای تقویت محلات محروم تر و کاهش نابرابری‌ها فراهم نماید.

منابع

- افروغ، عmad، ۱۳۷۷؛ فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- بشیریه، حسین، ۱۳۷۵؛ تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن یستم: فلسفه سیاسی جان رالز، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۱ و ۲، صص ۴۳-۳۶.
- تامین، ملوین، ۱۳۷۳؛ جامعه شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر توپیا.
- جاجرمی، کاظم و ابراهیم کلته، ۱۳۸۵؛ سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان، مطالعه موردی: گنبد قابوس، مجله جغرافیا و توسعه، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱-۱۸.
- حاتمی نژاد، حسین و عمران راستی، ۱۳۸۵؛ عدالت اجتماعی و عدالت فضایی؛ بررسی و مقایسه نظریات جان رالز و دیوید هاروی، نشریه سرزمین، سال سوم، شماره ۹، صص ۵۰-۳۸.
- شاه حسینی، پروانه، ۱۳۸۴؛ سکونتگاه خودرو و امنیت اجتماعی مورد: شهر پاکدشت، مجله جغرافیا و توسعه، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۷۲-۱۵۷.
- شریف زادگان، محمدحسین، ۱۳۸۵؛ راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۹-۲۹.
- شریفی، عبدالتبی، ۱۳۸۵؛ عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران.
- شکوبی، حسین، ۱۳۷۸؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، چاپ سوم.
- شکوبی، حسین، ۱۳۷۹؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- شکوبی، حسین، ۱۳۸۲؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم: فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی.
- عبدی دانشپور، زهره، ۱۳۷۸؛ تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها، مورد تهران، نشریه صفحه، سال نهم، شماره ۲۹، صص ۵۷-۳۴.
- فرهودی، رحمت‌ا...، ۱۳۸۳؛ تکنیک‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، درسنامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

- کمالی، علی، ۱۳۷۹؛ مقدمه ای بر جامعه شناسی نابرابری های اجتماعی، انتشارات سمت، تهران.
- مرصوص، نفیسه، ۱۳۸۲؛ تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
- وزارت مسکن و شهرسازی، مهندسین مشاور معمار و شهرساز پارت، ۱۳۸۳؛ طرح تفصیلی شهر اسفراین.
- هاروی، دیوید، ۱۳۷۶؛ عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول.

- Barry, B., 1989, *Theories of justice* London, harvester-wheat sheaf.
- Blory, J. et al., 2005, Urban Environment Spatial Fragmentation and Social Segregation in Latin America: Where Does Innovation Lie? *Habitat International*, 29, pp 627-645.
- Daniere, A.G. and Takahashi, L.M., 1999, poverty and Access: Differences and Commonalties across Slum Communities in Bangkok. *Habitat at intl.* V. 23, N. 2, pp 271-288.
- Harvey, D., 1969, *Explanation in Geography*, Edvard Arnold.
- Jonston, R. J. et al, 1994, *Dictionary of Human Geography* (third edition), Black well, G. B.
- Smith, D. M., 1996, "The quality of life" *Human Welfare and Social Justice* in Companion Encyclopedia of Geographers, V. 70, N.2.





مرکز تحقیقات فایل پویر علوم اسلامی